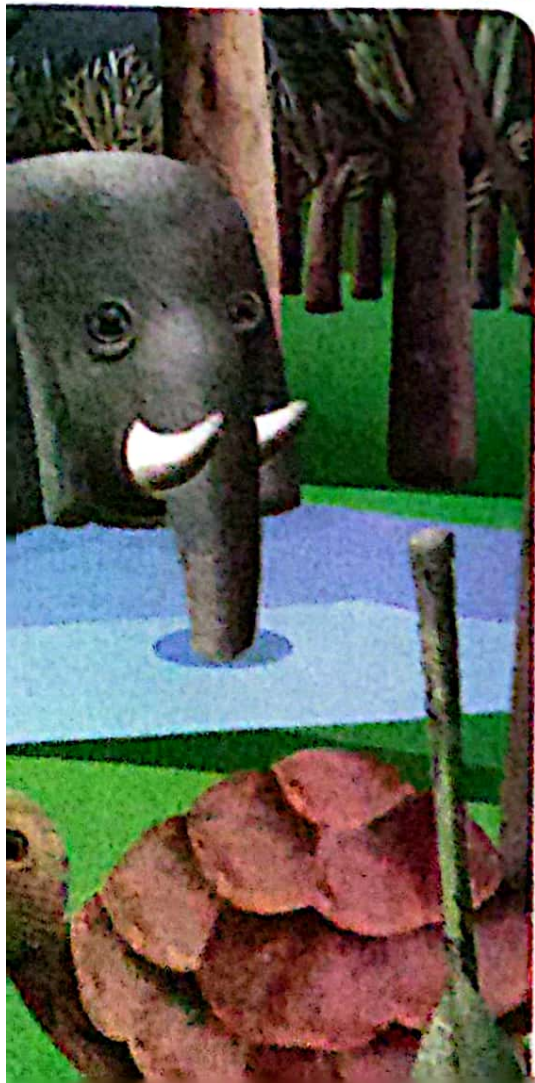


اگر جنگل نباشد



جنگل پهنادر و زیباست. صدای آرام نسیم در همه جای جنگل، شنیده می شود. گاه نیز غرغرش و زوزه ی جانوران، سکوت جنگل را می شکند.

اگر روزی با هواپیما از بالای جنگلی بگذری، فرشی سبز، زیبا و گسترده می بینی که گاه صدها کیلومتر از زمین را پوشانده است. در این جنگل ها چه می گذرد؟ نمی دانیم. شاید پلنگی بر شاخه ی درختی، در کمین نشسته باشد. شاید میمون های بازیگوش، بر شاخه ها مشغول بازی باشند. شاید فیل ها و کرگدن ها مشغول آب تنی در رودخانه ای باشند که از جنگل می گذرد. شاید هم در حاشیه ی جنگل، خانواده هایی سرگرم تفریح و استراحت باشند.



اگر جنگل نبود؛ چه می شد؟ شاید بگویند معلوم است؛ دیگر میز و صندلی، تخت خواب و کمد، در و پنجره، کاغذ، خانه های جنگلی، قایق و کشتی و هزاران وسیله ی چوبی دیگر نبود؛ اما این ها بخشی از فایده های جنگل است. اگر جنگل نباشد، اکسیژن مورد نیاز انسان فراهم نمی شود و مواد سمی هوا از بین نمی رود.

اگر جنگل نباشد؛ باران خاک را می شوید و از بین می آید. مادها، تند، که می وزند ممکن است همه چیز را

ویران کند. اگر جنگل نباشد، یکی از بهترین محل های استراحت و گردش از انسان گرفته می شود.
باید جنگل ها را حفظ کنیم و مراقب باشیم که درختان از بین نروند.
اگر از جنگل مواظبت نکنیم، شاید در آینده دیگر نتوانیم داستان هایی
بخوانیم که چنین آغاز می شوند: یکی بود یکی نبود. غیر از خدا هیچ کس
نبود. روزی روزگاری در یک جنگل زیبا و دور... .

سیاوش شایان 